بررسی روند تکاملی مبنای مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالا در حقوق انگلیس تا سال ۲۰۱۵ و مقایسه آن با حقوق ایران

سیدابوالقاسم نقیبی[۱]
خدیجه شیروانی[۲]
محدثه زاهری[۳]

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۹
تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۲۰

چکیده

قانون گذار انگلیس در قانون حمایت از حقوق مصرف کننده مصوب ۱۹۸۸ و نیز قانون حمایت از حقوق مصرف کننده مصوب ۲۰۱۵ مسئولیت محض را به عنوان مبنای مسئولیت مدنی تولیدکننده پذیرفته است. در حقوق ایران بین حقوقدانان در خصوص اینکه مبنای انتخابی قانون گذار در قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸ چیست اختلاف نظر است. به نظر می‌رسد که نظر آن دسته از حقوقدانانی ترجیح دارد که معتقدند نظر قانون‌گذار بر مسئولیت محض نبوده است؛ چرا که اولاً در این قانون علاوه بر اینکه هیچ اشاره‌ای به مسئولیت محض تولیدکنندگان و عرضه کنندگان نکرده است با به کارگیری واژه‌هایی نظیر متخلف ذهن را بیشتر به سمت مسئولیت مبتنی بر تقصیر سوق می‌دهد.

لغات کلیدی: مسئولیت، مبنای مسئولیت، حقوق ایران، حقوق انگلیس

---

۱ دانشیار فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری.
۲ دانشجوی دکترای فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری، نویسندهٔ مسئول.
۳ دانشجوی دکترای فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری.

مقدمه

قوانین حمایت از حقوق مصرف کننده هم در حقوق انگلیس و هم در حقوق ایران متضمن مقررات مختلفی است. اما این پژوهش به این مقررات توجه خاصی ندارد و در پی این هستیم که اولاً به لحاظ تاریخی بررسی کنیم مبنای مسئولیت تولیدکنندگان و عرضه کنندگان کالا در ایران و انگلیس چه تحولاتی داشته است و ثانیاً مبنای مسئولیت تولیدکنندگان و عرضه کنندگان کالا هم اکنون با توجه به قوانین حمایت از حقوق مصرف کننده ۱۳۸۸ ایران و ۲۰۱۵ انگلیس چیست. به همین مناسبت ابتدا سیر تکاملی مسئولیت تولیدکننده را در حقوق انگلیس بررسی می‌کنیم و پس از آن به حقوق ایران می‌پردازیم.

۱. بررسی روند مسئولیت تولید کننده و عرضه کننده کالا در نظام حقوقی انگلیس

۱-۱- مسئولیت قراردادی به عنوان مبنا

مسئولیت کالای تولیدی در نظام حقوقی انگلیس از دیرباز تحت‌الشعاع اصل نسبی بودن قراردادها بوده است و تولید کننده کالای معیوب تنها نسبت به خسارت وارده به طرف قرارداد مسئول شناخته می‌شد. در ابتدا حقوق قراردادهای این کشور حمایت‌هایی را برای مصرف کننده کالا در نظر گرفته بود. خریدار کالای معیوب بر اساس وجود شرط صریح یا ضمنی سلامت و مناسب بودن کالای خریداری شده می‌توانست برای نقض این شرط اقامه دعوا نماید. قانون فروش کالا مصوب ۱۸۹۳ مقرر داشت که در کلیه قراردادهایی که به موجب آن کالایی خرید و فروش می‌شود شرط ضمنی سلامت و تناسب کالا وجود دارد و لزومی نیست خریدار بر این شرط تصریح نماید و در صورت نقض این شرط با توجه به درجه اهمیت موقعیت کالا خریدار حق فسخ قرارداد را دارد. مزیت این جبران خسارت قراردادی این بود که خواهان که از کالای معیوب متضرر شده بود، بدون این که نیازی به اثبات تقصیر خوانده داشته باشد می‌توانست تقاضای جبران خسارت کند. برای مثال ماده ۱۴(۳) قانون فروش کالا مصوب ۱۹۷۹ مقرر می‌داشت که کالای مورد معامله عرفاً برای هدف خریداری شده مناسب است. اگر کالای ارائه شده متناسب با هدف مشتری نباشد نیازی نیست خریدار ثابت کند فروشنده در این راه تقصیر کرده است. اکنون نیز بسیاری از این شروط ضمنی در قراردادهای فروش کالا اعمال می‌گردد مثل تعمیر یا تعویض کالا، قراردادهای اجاره به شرط فروش و... . اما مشکلی که مسئولیت قراردادی در این زمینه داشت این بود که تنها برای طرفین قرارداد قابل استناد بود و بنابراین شخصی که کالا را به عنوان هدیه دریافت می‌کرد یا هر شخصی غیر از خریدار که از کالا استفاده می‌کرد و در اثر عیب کالا خسارت می‌دید نمی‌توانست با استناد به قوانین فوق و بر اساس قرارداد تقاضای جبران خسارت نماید و خسارت وارد به وی جبران نشده باقی می‌ماند. تا این که قانون حقوق اشخاص ثالث در سال ۱۹۹۹ تصویب شد و در شرایط خاصی به شخص ثالث اجازه داد برای جبران خسارات وارده به مقررات قراردادی استناد نماید (Harpwood,2009.p343) تا قبل از سال ۱۹۹۹ بر اساس اصل نسبی بودن قراردادها تنها طرفین قرارداد می‌توانستند به قرارداد استناد کنند و با استناد به آن خسارات خود را جبران نمایند. اما قانون ۱۹۹۹ این شرایط را تغییر داد. این

قانون بیان داشت که علاوه بر طرفین قرارداد، شخص ثالث در صورتی می‌تواند به قرارداد استناد نماید که ضمن قرارداد حقی به شخص ثالث توسط یکی از طرفین در نظر گرفته شده باشد. اگر طرفین در قرارداد به طور صریح بیان نمی‌کردند که حقی را به شخص ثالث منتقل کرده‌اند، ممکن بود دادگاه با توجه به اوضاع و احوال قضیه استنباط نماید که طرفین حقی را برای شخص ثالث مد نظر قرار داده‌اند و در این صورت شخص ثالث مستحق اقامه دعوا جهت رسیدن به حقش بود. از طرف دیگر آن سوی اصل نسبی بودن قرارداد این بود که تنها شخص یا شرکتی که کالا را فروخته بود می‌توانست مورد تعقیب قرار بگیرد. بنابراین اگر فروشنده کالای معیوب بنا به دلایلی مانند ورشکستگی قابل پیگرد نبود اشخاص دیگری که در فرآیند فروش کالا دخالت داشتند نمی‌توانستند مورد دعوا قرار بگیرند. همچنین اصل نسبی بودن قرارداد در برخی موارد باعث ایجاد عسر و حرج برای فروشنده می‌شد؛ زیرا بنا بر این اصل حتی در صورتی که عیب کالا از کارخانه ناشی می‌شد، باز هم فروشنده طرف قرارداد بود و مسئولیت عیب بر عهده او بود حتی اگر از این عیب آگاهی نداشت. بر این اساس برای مسئول شناختن کارخانه خریدار باید علیه فروشنده اقامه دعوا می‌کرد، سپس فروشنده علیه عوامل فروش و پس از آن عوامل فروش علیه تولیدکننده اقامه دعوا می‌کردند (Stephenson,2000,P363) به موجب قوانین فوق دو روش وجود داشت که کالایی را معیوب فرض کرد: اول این که کالا کارایی را که مورد انتظار خریدار بوده را نداشته است یا این که کیفیت لازم را نداشت و دوم این که کالا خطرناک بود به این معنی که کالا این پتانسیل را داشت که به اموال یا اشخاص اطراف آسیب برساند. هر یک از این دو گروه عیب می‌توانست مستندی برای نقض قرارداد واقع گردد. هنگامی که خریدار اقامه دعوا می‌کرد لازم نبود تقصیر فروشنده را اثبات کند بلکه کافی بود مطابق شروط ضمنی قانون ۱۹۷۹ اثبات نماید که کالا کیفیت لازم را ندارد یا این که با هدفی که برای آن کالا را خریداری کرده است تناسب ندارد. برخی از این شروط عبارتند از:

۱-۱-۱- شرط مطابقت با توصیف

ماده (۱-۱۳) قانون ۱۹۷۹ این شرط را ضمناً وارد یک قرارداد می‌کند که: کالاهایی که بر اساس توصیف فروخته می‌شوند، با اوصاف گفته شده دقیقاً مطابق هستند. این ماده در مورد کالاهایی که در زمان انعقاد قرارداد حاضر نیستند و نیز کالاهای خاصی که در زمان انعقاد معامله وجود دارند، اعمال می‌گردد. در دعوای Grant علیه Australian Knitting Mills Ltd در سال ۱۹۳۶ با این که مطابق ماده مذکور کالا می‌بایست مطابق آنچه توصیف شده بود ارائه می‌گردید اما چنین نشد و دادگاه حکم به ارائه کالای توصیف شده داد.

۱-۱-۲- شرط کیفیت بازرگانی

ماده (۲-۱۴) بیان می‌کند که کالاهای ارئه شده باید دارای کیفیت رضایت بخش باشد. این بند تنها در جایی اعمال می‌شود که فروشنده تاجر باشد و بنابراین مهم‌ترین شرط برای استناد به این ماده این است که فروشنده تاجر باشد. این ماده به این معنی نیست که کالاها باید مورد قبول

قرار گیرند یا این که خریدار شخصاً باید از کیفیت کالا راضی باشد، بلکه این ماده به این معناست که کیفیت کالا باید مورد قبول یک فرد متعارف باشد. به موجب این ماده کالا در صورتی کیفیت رضایت‌بخش را داراست که استانداردهایی که یک شخص متعارف به عنوان معیارهای کیفیت رضایت بخش قبول داشته باشد، را دارا باشد. ماده ۱۴ این قانون در مورد عیوبی که قبل از انعقاد قرارداد در کالا وجود داشته است و خریدار از آن آگاه بوده است، اعمال نمی‌شود.

۱-۱-۳- شرط تناسب داشتن با هدف خاص

همچنین ماده ۱۴ بیان می‌کند کالا باید برای هدف خاصی که مورد معامله قرار گرفته است مناسب باشد. این شرط تنها در جایی اعمال می‌گردد که اولاً فروشنده تاجر باشد و ثانیاً، خریدار صریحاً یا ضمناً هدف خاص خود را به فروشنده بیان کرده باشد و به مهارت و تخصص فروشنده اعتماد کرده باشد. بنابراین اگر ثابت گردد که خریدار از مهارت و تخصص خود استفاده کرده است و یا اصلاً معقول نبوده است که به مهارت فروشنده اعتماد کند، نمی‌تواند به این شرط استناد نماید.

۱-۱-۴- شرط مطابقت با نمونه

ماده ۱۵ قانون مذکور در جایی اعمال می‌گردد که کالا از روی نمونه فروخته شود. این ماده این شرط ضمنی را وارد قرارداد می‌کند که وقتی که کالا از روی نمونه فروخته می‌شود، باید از نظر کیفیت با نمونه ارائه شده هماهنگ باشد و کالای ارئه شده باید از عیوبی که در مورد نمونه وجود نداشته است، خالی باشد. بر این اساس هر گاه کالا از روی نمونه فروخته شود، چند شرط ضمنی وجود دارد: کالا از نظر کیفیت مطابق نمونه باشد، خریدار فرصت کافی برای بازرسی کالا و تطبیق آن با نمونه را دارا باشد. کالا باید از هر گونه عیبی که باعث سلب قابلیت تجاری از آن می‌شود عاری باشد (Monaghan.2013.P47)

علاوه بر قوانین بالا قانون شروط غیرمنصفانه قراردادی مصوب ۱۹۷۷ فروشندگان را از تحمیل شرایط قراردادی، معافیت از مسئولیت‌های قانونی خود و یا عرضه کالا با کیفیت پایین و یا معیوب منع کرده و مجازات‌های کیفری زیادی را برای برخی از فعالیت‌های تجاری در ارتباط با کالای معیوب و ناسالم مقرر داشت(Elliot,2011,P137)

۱-۲- عدول از اصل نسبی بودن قرارداد و ابتناء مسئولیت بر اساس نظریه تقصیر

در سال ۱۹۳۲ برای اولین بار در خصوص خسارات ناشی از کالای معیوب از اصل نسبی بودن قرارداد عدول شد و رابطه تسبیب که مبتنی بر نظریه تقصیر بود مبنای تحمیل مسئولیت کالای تولیدی بر تولیدکننده و حمایت از مصرف کننده قرار گرفت. در دعوای Donoghue v Stevenson (۱۹۳۲) خواهان مقداری از شربت زنجبیل که دوستش برایش خریده بود را نوشید و وقتی که ادامه آن را در لیوانش ریخت متوجه شد که یک حلزون مرده در لیوانش وجود دارد. معده خواهان در اثر خوردن این شربت آسیب دید و نیز این که چون دید در لیوانی که در حال نوشیدن محتوای آن بود

یک جسم خارجی پیدا شد، دچار شک عصبی شد و در نتیجه علیه تولیدکننده شربت اقامه دعوا کرد. پرونده به مجلس اعیان ارجاع شد و نکته ابتدایی که در آن مطرح شد این بود که آیا این دعوا بر مبنای تقصیر می‌باشد بدون در نظر گرفتن این واقعیت که قراردادی بین خواهان و تولیدکننده شربت زنجبیل وجود نداشته است؟ مبنای اصلی در این پرونده این بود که تولیدکننده در برابر مصرف کننده وظیفه دارد که مراقب باشد که ماده مضری در تولیداتش وجود نداشته باشد (تکلیف رعایت بهداشت در تولیداتش). و تولیدکننده این وظیفه و تکلیف را نقض کرده است و در نتیجه نقض این تعهد است که خواهان آسیب دیده است. مجلس اعیان رویه‌های قضایی موجود را که با این پرونده شباهت داشتند را بررسی کردند و به اکثریت آراء سه به دو به نفع خواهان رأی داد؛ چرا که وجود تقصیر را که به وسیله دادگاه ابتدایی اثبات شده بود، تأیید کرد. دو نظر مهم‌تر در این زمینه مربوط است به Lord Atkin که نظروی همراه اکثریت به نفع خواهان بود و دیگری Lord Buckmaster که نظر وی بر علیه خواهان و در اقلیت بود.

Lord Buckmaster تاکید داشت که اگر در این پرونده به نفع خواهان رأی صادر شود ادامه تجارت و دیگر فعالیت‌های اقتصادی مشکل خواهد شد. در واقع دیدگاه حمایت گرانه اقتصادی بر ذهن قضاتی که در اقلیت بودند سنگینی می‌کرد { و از این امر ترس داشتند که با اعمال مسئولیت‌های سنگینتر بر صاحبان این مشاغل اقتصاد کند خواهد شد}. با این حال ملاحظات عدالت اجتماعی اقتضا دارند که ضررهایی که به مصرف کنندگان در اثر بی‌احتیاطی و تقصیرات تولیدکنندگان، وارد می‌شوند جبران گردند. بعدها قضاتی که در اکثریت بودند به وسیله Devlin به عنوان انسان‌هایی شجاع در برابر قضاتی که در اقلیت بودند به عنوان انسان‌هایی ترسو توصیف شدند. Lord Atkin, برای آرام کردن ترسی که در اثر افکار اقلیت ایجاد شده یود و ترس بیشتر از این بود که این پرونده بر پرونده‌های بعدی نیز تأثیر بگذارد، بر نیاز به نزدیکی و مجاورت بین طرفین تاکید کرد: فعل و ترک فعلی که از لحاظ اخلاقی ناپسند باشد نمی‌تواند حق مطالبه خسارت به شخصی که به وسیله آن‌ها متضرر شده است، اعطا کنند. در این زمینه مقررات حقوقی مطرح می‌شوند تا دامنه شاکی و حق جبران خسارتش را محدود کند. او تلاش کرد که دامنه دعاوی آینده را به وسیله فرمول مشهورش به نام «اصل مجاورت یا نزدیکی» محدود کند. تنها هنگامی که این اصل اجرا می‌شود؛ او استدلال کرد که تکلیف مراقبت و احتیاط را می‌توان اثبات کرد و مبنای دعوای ناشی از تقصیر در مورد زیر:

اگر مایل باشید که همسایه شما نزد شما بیاید نباید در این حین به وی آسیبی برسد. حقوقدانان در پاسخ به این که چه کسی همسایه محسوب می‌شود سعی کرده‌اند پاسخی محدود بدهند. شما باید احتیاط‌های متعارف را برای اجتناب از فعل یا ترک فعلی که قابل پیش بینی هستند و احتمال دارد به همسایه شما آسیب برساند، انجام دهید. در حقیقت خواهان می‌توانست اقامهٔ دعوا کند، و این امر که قراردادی بین خواهان و تولیدکننده وجود نداشته است موضوعیتی ندارد. با این حال قبل از اینکه جریان دعوا به پایان برسد تولیدکننده درگذشت و به این علت پرونده از جریان رسیدگی خارج شد. دلایلی که به وسیلهٔ خواهان ارائه شدند هرگز فرصت اثبات نیافتند و هیچ کس قطعاً نتوانست علم پیدا کند که شیئ که در لیوان بوده حلزون بوده است و اینکه علت بیماری خواهان

وجود همین حلزون در لیوان بوده است. همچنین در دعوای Preist علیه Last موضوع دعوا این بود که پدر خانواده بطری آبجوشی برای مصرف خانوادگی خریداری کرد و در دست همسرش ترکید و مجروحش ساخت. در این پرونده با توجه به اینکه مصرف کننده و متضرر واقعی هیچ رابطه حقوقی با فروشنده نداشته است دعوای اومطابق قانون بیع ۱۸۹۳ و حتی قانون ۱۹۷۹ بی نتیجه می‌ماند چرا که تنها طرف قرارداد می‌توانست برای جبران خسارات و از جمله هزینه معالجه بر اساس تضمین ایمنی به فروشنده مراجعه کند اما زیان دیده اصلی تنها می‌توانست بر مبنای مسئولیت مدنی از فروشنده خسارت بخواهد و این دعوا هم مشروط به اثبات بی مبالاتی فروشنده بود و دشواری‌های اثبات تقصیر را در پی داشت (Harpwood.2000.p356)

۱-۳- الزام بریتانیا به رعایت دستورالعمل اتحادیه اروپا و تصویب قانون حمایت از مصرف کننده ۱۹۸۷

۱-۳-۱- رعایت دستورالعمل اتحادیه اروپا

تحولات اساسی در نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت تولید کالا در انگلیس از سال ۱۹۸۵ میلادی پس از تصویب دستورالعمل اروپایی راجع به کالای تولیدی توسط شورای جامعه اروپایی آغاز شد. دولت انگلیس نیز دستورالعمل جامعه اروپا را از طریق تصویب قانون حمایت از مصرف کننده در سال ۱۹۸۷ میلادی اعمال کرد. البته قابل توجه است که دستورالعمل مزبور مقررات معینی را به صورت اختیاری وضع کرده است. در حقیقت این دستورالعمل برای هماهنگ سازی قوانین ملی داخلی با آن تا حدودی برای دول عضو اختیاراتی را قائل است اما هنگامی که مشکلی در تفسیر قانون ملی رخ دهد می‌توان با مراجعه به این دستورالعمل آن را تفسیر کرد. کشورهای عضو بر اساس مصالح و منافع خود می‌توانند راجع به آن تصمیم بگیرند (C C Van Dam,2013,p422) . مثلاً در نظام حقوقی انگلیس مقرر شده است که تولیدکنندگان کالاهای دستی و هنری از مسئولیت در قبال کالاهای تولید شده مبرا هستند مشروط بر اینکه خطرات موجود در کالاهای دستی و هنری معلوم نبوده و یا علم به آن در زمان تولید ممکن نبوده باشد(Griffiths,1988.p123)

۱-۳-۲- تصویب قانون حمایت از مصرف کننده مصوب ۱۹۸۷

تصویب قانون حمایت از مصرف کننده در سال ۱۹۸۷ نظام جدیدی از مسئولیت را برای تولیدکنندگان و عرضه کنندگان کالا ایجاد کرد. براساس این قانون خواهان در این گونه دعاوی نیازی به اثبات تقصیر خوانده ندارد و وی تنها باید این امر را ثابت نماید که تمام یا بخشی از خسارت وارد شده به او در اثر معیوب بودن کالای تولیدی رخ داده است. مطابق این قانون کالای تولیدی شامل هر نوع کالا و یا وسایل الکترونیک و هم چنین اجزا و قطعات و موارد خام و اولیه آن می‌شود. مهم‌ترین هدف این قانون حمایت از مصرف کننده بود است که بر خلاف قاعده کلی مسئولیت مبتنی بر تقصیر مسئولیت بدون تقصیر و محض مقرر گردید و مطالبه خسارت از تولید کننده و توزیع کننده نیازمند اثبات تقصیر نیست و به صرف اثبات رابطه سببیت میان ورود ضرر و عیب کالا به جبران خسارت حکم داده می‌شود (Harpwood,2000, p.333)

مهم‌ترین ماده این قانون بند ۱ ماده ۲ است که بیان می‌کند: هر گاه خسارتی کلی یا جزئی به علت عیب در محصول ایجاد شود، هر شخصی که بند ۲ این ماده در مورد او صادق است، مسئول خسارات وارده می‌باشد. مطابق این قانون تعریف محصول گسترده است و کالاهای داخلی در قلمرو قانون فروش کالا و همچنین محصولات در حال رشد و چیزهایی که روی زمین است مانند حصار را شامل می‌شود. همچنین محصولات غیر ملموس مانند برق و گاز نیز شامل این قانون می‌شود اما تولیدکنندگان غذای تازه مثل ماهی که به هیچ وجه در چرخه تولید قرار نگرفته‌اند، از مسئولیت معاف هستند.

۱-۳-۳- مبنای مسئولیت مدنی تولید کننده مطابق قانون حمایت از مصرف کننده ۱۹۸۷

با توجه به توضیحات فوق این نکته مسلم است که حقوق انگلیس با تصویب قانون حمایت از مصرف کننده از مبنای تقصیر عدول کرده است. اما سؤال این است که مبنای مورد نظر قانونگذار ۱۹۸۷ مسئولیت مطلق بوده است یا مسئولیت محض؟ افزودن قید محض بر مسئولیت نشانه مشروط نبودن اموری است که به طور معمول شرط تحقق آن است. بنابراین واژه محض نوعی اطلاق و رهایی از قید و بند را به ذهن متبادر می‌کند. اما چون مسئولیت در شرایط متعارف منوط به عمد یا تقصیر مرتکب است، آنچه در نخستین نگاه به ذهن می‌رسد مسئولیت بدون تقصیر است. اما مسئولیت مطلق آخرین درجه سختگیری قانون گذار است و نشانه رهایی از هر گونه قیدی است در حالی که مسئولیت محض در مواردی به کار می‌رود که برای مسئول عذرهای دفاعی کم و بیش وجود دارد (کاتوزیان،۱۳۸۱، ص ۶۱) که بسیاری از نمونه‌هایی که مسئولیت مطلق در آنها وضع شده است، به وسیلهٔ قضات به خاطر اوضاع و احوال خاص پرونده‌ها وضع شده‌اند، برای مثال در دعوای (Rylanlds V Fletcher.1868) یا بوسیلهٔ پارلمان در پاسخ درخواست‌های گروه فوریت، برای مثال در قانون حمایت از مصرف کنندگان مصوب ۱۹۸۸ و قانون پرداخت خسارات ناشی از واکسیناسیون مصوب (Harpwood, Ibid) 1979 نتیجه اینکه قانون گذار مسئولیت محض را پذیرفته است چرا که یکی از شرایط مسئولیت خوانده را عیب تولید دانسته است و شرط دوم اینکه ضرری حاصل شده باشد و ضرر در نتیجه عیب کالا به وجود آمده باشد؛ یعنی بین کالای معیوب و ضرر وارده رابطه علیت وجود داشته باشد. بنابراین تولید کننده می‌تواند با اثبات موارد زیر از مسئولیت معاف گردد:

الف) در صورتی که ثابت گردد خوانده کالا را به اختیار در چرخه توزیع بازار قرار نداده است.

ب) کالا به این علت معیوب شده است که تولیدکننده بر طبق ضوابط و مقررات آمره تولید آن کالا رفتار کرده است.

ج) دانش و علم زمان تولید به نحوی نبوده که بتواند عیب کالا را آشکار نماید، به دیگر سخن ریسک یا خطر توسعه علم و فناوری از عهده تولید کننده برداشته شده است.

د) کالای تولیدی برای فرآیند مبادلات تجاری، معامله یا توزیع نشده است و هدف به دست آوردن سود اقتصادی نیست. مثل تولید کالای خانگی در یک روستا جهت حوائج شخصی.

هـ) عیب در زمانی که کالا در چرخه بازار قرار گرفته وجود نداشته است و بعداً ایجاد شده است (Harpwood, Ibid,pp338,340)

در حالی که در بحث از مسئولیت مطلق هیچ قید و شرطی برای مسئولیت خوانده وجود ندارد و خوانده تحت هر شرایط مسئول است مانند مسئولیت غاصب که در صورت ورود ضرر به کالای مورد غصب مسئول است هر چند که آفت سماوی باعث از بین رفتن آن شده باشد.

۱-۳-۴- خواهان و خوانده در دعوای مسئولیت طبق قانون ۱۹۸۷

در قانون ۱۹۸۷ خواهان دعوا همان مصرف کننده می‌باشد. مصرف کننده نیز کسی است که کالا یا خدماتی را می‌خرد یا از آنها استفاده می‌کند. برابر این قانون خواهان برای اقامه دعوا باید موارد زیر را اثبات نماید:

الف) محصول معیوب بوده است؛ ب) متضرر شده است؛ ج) خسارت را محصول وارد کرده است؛ د) خوانده تولیدکننده محصول بوده است.

بند ۲ ماده ماده ۲ قانون ۱۹۸۷ در خصوص خواندگان بالقوه که به موجب قانون قابل پیگرد هستند مقرر می‌دارد: افراد زیر مسئول جبران خسارت هستند:

الف) تولیدکننده: در این قانون تولید کننده به معنی سازنده است. مطابق بند ۲ ماده ۱ این قانون واژه سازنده یا تولیدکننده هر شخصی را در بر می‌گیرد به عنوان تولیدکننده فعالیت می‌کند مانند شخصی که نام یا علامت تجاری خود را روی کالاهای تولید شده از سوی دیگری درج می‌کند. همچنین شامل تولیدکنندگان اجزاء کالای نهایی و حتی ارائه دهندگان مواد اولیه نیز می‌شود و در عین حال که منظور از آن کارگران و مستخدمین تولید کننده نیست. اشخاصی که به نحوی تحت شمول مفهوم تولیدکننده قرار می‌گیرند مسئولیت تضامن دارند و زیان دیده می‌تواند برای همه خسارات وارده به هر یک از این شخاص که ترجیح می‌دهند مراجعه کنند و یا اینکه علیه چند شخص از آنها اقامه دعواکنند و به این ترتیب جبران خسارت مطمئن‌تر است.

ب) هر شخصی که از طریق درج نام یا علامت تجاری یا هر گونه علامت مشخص دیگری بر روی تولیدات، خود را به عنوان تولیدکننده معرفی کند.

ج) کسی که کالایی را از کشوری غیر از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به یکی از کشورهای عضو اتحادیه وارد کرده است و در راستای تجارت خود قصد دارد آن را به یکی دیگر از کشورهای عضو صادر کند.

د) صاحب امتیاز

شخص یا شریکی که نام مخصوص خود را بر روی یک محصول قرار می‌دهد و دانمود می‌کند که خودش کالا را تولید کرده است به عنوان تولید کننده شمرده می‌شود. مثل اینکه فروشگاه زنجیره‌ای کالایی که توسط دیگری تولید شده استرا به نام خود در معرض نمایش قرار دهد.

هـ) عرضه کنندگان کالا

مطابق قانون حمایت از مصرف کننده عرضه کنندگان کالا در صورتی مسئول هستند که امکان تشخیص و تعیین تولیدکننده و وارد کننده وجود نداشته باشد. به موجب این قانون مسئولیت برای عرضه کننده کالای معیوب در صورتی وجود دارد که محصولات را در روند امور تجاری عرضه کرده

باشد. برای مسئول شناخته شدن عرضه کننده وجود چهار شرط ضروری است:

* مصرف کننده از عرضه کننده خواسته باشد که تولیدکننده را معرفی کند ولی وی از معرفی تولیدکننده خودداری کند.

* مصرف کننده باید در ظرف مدت زمان منطقی پس از وقوع صدمات چنین درخواستی را نموده باشد.

* تشخیص تولیدکننده واقعی برای مصرف کننده غیر ممکن باشد.

* عرضه کننده کالای معیوب باید در ظرف مدت متعارفی از زمان در خواست مصرف کننده برای تعیین شخصی که کالا را به وی ارائه کرده است ناتوان باشد (Ibid,p.334)

۴,۱. مقررات عمومی ایمنی محصولات مصوب ۱۹۹۴

این مقررات تمام عرضه کنندگان محصولاتی که که برای مصرف بوده و یا احتمالاً مصرف کنندگان استفاده می‌کنند را در بر می‌گیرد. این مقررات بیان می‌کنند که هیچ محصولی نباید وارد بازار شود مگر اینکه ایمن باشد. محصول ایمن محصولی است که با در نظر گرفتن روش قابل قبول، برای استفاده معمولی از آن هیچ خطری حتی جزئی نداشته باشد. تولیدکنندگان می‌توانند با نمایش برچسب‌های اخطار و امثال آن از مسئولیت بری شوند یا آنها را کاهش دهند یا دفاعی بر این اساس که آنها همه رفتارهای متعارف را در تولید کالای ایمن کرده‌اند ارائه دهند. نقض این مقررات ممکن است جزای نقدی یا زندان در پی داشته باشد. (Stephenson,2000,p365) با توجه به اینکه عرضه کالای معیوب بر اساس رژیم خاص مسئولیت محض است دامنه ضرر و زیان و خسارات قابل جبران نیز محدود به صدمات بدنی و جانی و ضرر و زیان وارد به اموال است. و خسارات معنوی و عدم النفع از قلمرو مسئولیت محض تولیدکننده خارج شده است (Ibid, p306)

۱-۵- بررسی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده مصوب ۲۰۱۵ و مبنای مسئولیت در آن

۱-۵-۱- هدف قانون ۲۰۱۵

در یک اکتبر ۲۰۱۵ قانون حقوق مصرف کننده (CRA)[4]لازم الاجراشد، هدف این قانون گذاری شفاف کردن، بروز رسانی و تحکیم انواع قوانین قبلی مختلفی بود که بر حقوق مصرف کننده حاکم بوده است. از جمله تحکیم قانون فروش کالای ۱۹۷۹[5] و قانون عرضه کالا و خدمات ۱۹۸۲[6] و قانون شروط ناعادلانه ۱۹۷۷[7] بوده است. این قانون CRA به عنوان بزرگترین مقرره قانون مصرف کننده برای یک نسل می‌باشد.

بخش سوم قانون CRA اختیارات اجرایی و تحقیقاتی خاصی را افزایش می‌دهد و این به رقابت کنندگان و مقامات بازاراین اختیار را می‌دهد که می‌توانند در مورد شروط قرارداد مصرف کننده

4- The Consumer Right Act 2015.

5- The Sale of Goods Act 1979.

6- The Supply of Goods and Services Act 1982.

7- the Unfair Terms Act 1977.

شکایت در نظر بگیرند. در حال حاضر قانونگذار می‌تواند رویکرد فعالانه‌تری نسبت به معامله گرانی که در معامله‌شان با مصرف کننده کمتر دقت می‌کنند، اتخاذ کند.

۱-۵-۲- مبنای مسئولیت قانون ۲۰۱۵

مسئولیت محض تحت CRA قابل اعمال است و فروشنده، حتی اگر در بخش مربوط به خودش تقصیری نباشد وبا یک بازرسی متعارف هم نمی‌توانسته عیب در محصول را کشف کند، باز هم می‌تواند مسئول شناخته شود.

مصرف کننده حتماً باید ثابت کند که محصول طبق شرایط فروش نیست ودر اثر این نقض قرارداد زیان یا کمبود یا خسارت به او تحمیل شده است. اگر فروشنده‌ای مسئول شناخته شود باید در کنارآن به اعضای زنجیرهٔ تو زیع آن محصول معیوب توجه شود که مشخص شود که ایا جبران خسارت می‌تواند از دیگر اعضای آن زنجیره هم به عمل بیاید یا خیر. البته خرده فروشان این اطمینان را دارند که قراردادهایی که با توزیع کنندگان دارند شامل مقررات جبران خسارت اجباری است که می‌توانند هرگونه ضرر و زیان پرداختی را از توزیع کنندگان دریافت کنند.[۸] علاوه بر این، خرده فروشان برای رعایت احتیاط باید بیمه مسئولیت تولید را داشته باشند.

یک تفاوت اساسی بین کسی که تحت CPA (قانون ۱۹۸۷) اقامه دعوا می‌کند با کسی که بر مبنای تقصیردادخواست دعوا می‌دهد قاعده مسئولیت محض است. که البته این قاعده در بحث اقامه دعوا تحت CRA هم مطرح است و اشخاص نیازی ندارند که اثبات تقصیر تولید کننده را کنند. و البته خواهان باید ثابت کند که محصول معیوب بوده است و آن عیب باعث زیان و خسارت شده است.

۱-۵-۳- نحوه جبران خسارت

اگر یک نقض قرارداد ایجاد شود تحت یک سلسله مراتب جبران خسارت وجود دارد. برای اینکه جبران خسارتهای بیشتر و شفا فتر برای مصرف کننده‌ها باشد به طور خلاصه جبران خسارتهای درجه بندی شده اینها هستند؛

۱) یک حق کوتاه مدت ۳ روزه برای اینکه کالاهای معیوب خاصی پس داده شود.

۲) حقی برای اینکه کالاهای معیوب تعمیر یا جایگزین شوند.

۳) حق انتخاب برای کاهش قیمت یا پس دادن کالای معیوب یا یک حق نهایی برای پس دادن کالا.

خساراتی که به خاطر اثرات طبیعی و احتمالی نقص ایجاد شده‌اند می‌توانند تحت دادخواست قرار گیرند. برای اقامه دعوا تحت CRA، خواهان نیازی نیست که لزوماً خریدار محصول باشد بلکه محدودهٔ وسیعی از خواهان‌های بالقوه رو در بر می‌گیرد، هرکسی که توسط محصول معیوب زیان دیده است می‌تواند اقامهٔ دعوا کند بدون در نظر گرفتن اینکه محصول توسط شخص زیان دیده خریداری شده باشد یا خیر.

---

۸ در واقع می‌توان گفت مسئولیت در برابر زیان دیده تضامنی است اما بین خودشان نسبی است

۱-۵-۴- تفاوت‌های مهم قانون ۱۹۸۷ و ۲۰۱۵

یکی از فرق‌هایی که CPA(۱۹۸۷) و CRA (۲۰۱۵) دارد جبران خسارتهای ویژه است، این است که در CPA خواهان فقط حق دارد جبران ضرر و زیان را بخواهد و حق ندارد که هزینهٔ خود کالای معیوب را بگیرد مثلاً اگر یک کتری معیوب آتش بگیرد و آسیب و ضرر به آشپزخانه بزند آن ضرر فقط جبران می‌شود. اما بر مبنای CRA می‌توان علاوه بر جبران خسارت ضرر وارده به آشپزخانه، هزینه خود کتری هم دریافت شود.

فرق دیگری که CPA(۱۹۸۷) و CRA (۲۰۱۵) دارند، بحث مرور زمان‌ها هست که در اولی مرور زمانهای ۳ سال و ۱۰ سال است اما در دومی مرور زمان ۶ سال از نقض قرارداد است. (East,2016,pp70,80)

❐ ۲. بررسی روند مسئولیت تولید کننده و عرضه کننده کالا در نظام حقوقی ایران

در ایران همان دلایل حمایت از مصرف کننده یعنی موقعیت ضعیف مصرف کننده در مقابل تولیدکننده و عرضه کننده، عدم کفایت مقررات سنتی برای حمیات از مصرف کننده و وظیفه حمایت از ضعیف در برابر قوی باعث شده است تا قوانین خاصی در این حوزه تصویب شوند. مهم‌ترین این قوانین عبارتند از قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶/۶/۲۳ و قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۸/۲۳.

۱-۲- مبنای مسئولیت ناشی از عیب تولید تا قبل از تصویب قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان ۱۳۸۸

از دیدگاه نویسندگان مبنای مسئولیت و فلسفه آن و به بیان دیگر علت وضع قواعد پیدا کردن طرحی است که بتوان با استفاده از آن منافع اجتماعی افراد را تأمین کرد (امامی،۱۳۸۷، ص ۱۲۶)

در حقوق مصرف کننده نیز یکی از مسائل مهم نظام‌های حقوقی، تبیین مبنا و قلمرو مسئولیت عرضه کنندگان کالا و خدمات معیوب است. شیوه جبران خسارت مذکور در ماده ۴۲۲ قانون مدنی ایران زیر عنوان خیار عیب در حمایت از خریداران کالای معیوب، در صورتی که مبیع عین معین باشد حق فسخ معامله یا مطالبه آرش کالای معیوب و سالم است. مفاد این ماده در ماده ۲ قانون حمایت از مصرف کننده نیز تکرار شده است و به موجب آن در مورد مبیع کلی هم مشتری حق استرداد کالای معیوب و تعویض آن با مصداق سالم را دارد. اما همه اشکالها در چگونگی متعادل ساختن ثمن با کالای معیوب خلاصه نمی‌شود (کاتوزیان،۱۳۹۱، ص ۱۳۷) در مورد زیانهای ناشی از عیب پنهانی مبیع که گاه به واسطه استفاده از کالای معیوب خریدار یا استفاده کنندگان ثالث دچار صدمات مالی یا جانی می‌شوند قانون مدنی ساکت است. مبناها و فرضیه‌هایی که می‌توانست تا قبل از قانون ۱۳۸۷ دادخواست مسئولیت داد به این شرح است؛

۲-۱-۱- مسئولیت قراردادی

تا قبل از تصویب قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان گاهی به مقررات مسئولیت قراردادی

استناد می‌کردند که مشکل این امر آن است که برای اثبات مسئولیت قراردادی وجود قرارداد و نقض قرارداد و ورود ضرر در اثر نقض قرارداد لازم است. (وحدتی شبیری،۱۳۸۵، ص ۳۵) بنابراین در فرضی که زیان دیده طرف معامله نباشد و صرفاً مصرف کننده کالای معیوب باشد استناد به قواعد مسئولیت قراردادی ناممکن می‌شود و استناد به قواعد عمومی مسئولیت مدنی نیز به علت نیاز به اثبات تقصیر در نهایت در بسیاری از موارد مشکل می‌شود زیرا استناد به این قواعد تولید کننده یا عرضه کننده غیر مقصر را از مسئولیت بری می‌کنند و در نهایت مصرف کننده است که باید ضرر را متحمل گردد.

۲-۱-۲ - اماره تقصیر

در این روش خواهان مجبور نیست که تقصیر تولیدکننده را ثابت نماید بلکه تولیدکننده باید برای اثبات بی تقصیری خود دلیل بیاورد. زیرا فرض این است که به دلیل اینکه تولیدکننده شخص حرفه‌ای است از عیب کالا آگاه است. اشکال اماره تقصیر این است که تنها در مواردی می‌تواند مورد استناد قرار بگیرد که تولیدکننده مرتکب تقصیر شده باشد، به این ترتیب اگر عیب در نتیجه تقصیر ایجاد نشده باشد یا اینکه عیب ناشی از تقصیر اشخاص دیگری غیر از تولیدکننده باشد، سودی به حال مصرف کننده ندارد.

۲-۱-۳- مسئولیت محض

در این نظریه خطر ناشی از تولید کالای معیوب بر عهده تولیدکننده یا عرضه کننده قرار گرفته است و صرف وجود رابطه سببیت بین ضرر و عیب کالا کافی است و نیازی به اثبات تقصیر تولیدکننده یا عرضه کننده وجود ندارد. مسئولیت محض مسئولیت بی تقصیر است وحتی اگر تولیدکننده تمام جوانب احتیاط را رعایت کرده باشد بازهم مسئول است. این نظریه حمایتی است برای مصرف کنندگانی که نمی‌توانند خود را در برابر کالاهای تولیدکنندگان ایمن کنند.

۲-۱-۴- مسئولیت مبتنی بر تضمین سلامت کالا و خدمت

طبق این نظریه در معامله کالا و خدمت نوعی تضمین صریح یا ضمنی به سود مصرف کننده وجود دارد که به موجب آن تولیدکننده تعهد می‌کند کالای سالم و بی عیب در اختیار مصرف کننده قرار دهد در غیر این صورت مسئول می‌باشد. نقض این تعهد باعث ایجاد مسئولیت قراردادی می‌شود. مسئولیت قراردادی گاه در دنتیجه نقض تعهد اصلی ایجاد می‌شود مثل عدم تحویل مبیع در عقد بیع و گاه در نتیجه نقض تعهدات فرعی ناشی از عقد به وجود می‌آید. این تعهد یا شرط ضمنی می‌تواند به صورت تعهد به وسیله باشد که در این صورت با اثبات بی تقصیری تولیدکننده از مسئولیت بری می‌شود یا تعهد به نتیجه باشد که در این صورت تولیدکننده تنها در صورتی از مسئولیت رها می‌شود که مطابق مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ ق.م بتواند ضرر را به حادثه خارجی نسبت دهد. (جعفری تبار،۱۳۸۹، ص ۵۴)

۲-۲- بررسی قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان ۱۳۸۸

۲-۲-۱- مبنای مسئولیت در قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان ۱۳۸۸

ماده ۱۶ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸ مقرر می‌دارد: مسئولیت جبران خسارت وارده به مصرف کننده با تشخیص مرجع رسیدگی کننده بر عهده شخص حقیقی یا حقوقی اعم از خصوصی و دولتی می‌باشد که موجب ورود خسارت و اضرار به مصرف کننده شده است. برخی از نویسندگان عقیده دارند اگر این ماده به تنهایی در نظر گرفته شود، ممکن است بگوییم مبنای مسئولیت در این قانون همچنان تقصیر است اما ایشان با استناد به ماده ۱۸ که بیان می‌کند چنانچه کالا یا خدمات عرضه شده توسط عرضه کنندگان کالا یا خدمات معیوب باشد و به واسطه آن عیب خساراتی به مصرف کننده وارد گردد متخلف علاوه بر جبران خسارات به پرداخت جزای نقدی حدکثر تا معادل چهار برابر خسارت محکوم خواهد شد، عقیده دارند قانون گذار با آوردن این ماده از مبنای سنتی تقصیر فاصله گرفته است و نوعی مسئولیت بدون تقصیر را پذیرفته است. (عبدی پور، پرتو،۱۳۹۰، ص ۲۸) گروه دیگری از نویسندگان عقیده دارند که ظاهر این ماده مشعر بر مسئولیت محض و بدون تقصیر نمی‌باشد؛ چرا که قانونگذار از عنوان متخلف برای عرضه کننده کالا و خدمات معیوب استفاده کرده است و از این ظاهر چنین بر می‌آید که باید تقصیر عرضه کننده به اثبات برسد. به علاوه حکم به پرداخت جزای نقدی در انتهای ماده تاکید کننده مسئولیت مبتنی بر تقصیر است چرا که مسئولیت کیفری بدون تحقق تقصیر کاملاً خلاف قاعده است. این استدلال در مورد ماده ۱۹ این قانون قابل طرح است. (صفایی، رحیمی،۱۳۹۲، ص ۳۱۳) ماده ۱۹ این قانون مقرر می‌دارد که عرضه کنندگان کالا و خدمات و تولیدکنندگانی که مبادرت به تخلفات موضوع مواد ۳ الی ۸ این قانون نمایند در صورت ورود خسارات ناشی از مصرف همان کالا و خدمات به مصرف کنندگان علاوه بر جبران خسارت وارده به جزای نقدی حدکثر معادل دو برابر خسارت وارده محکوم خواهد شد.

به نظر می‌رسد اگر با دید انتقادی و با دقت بیشتری به قانون ۱۳۸۸ نظر کنیم استدلال اخیر منطقی‌تر است. چرا که اولاً در این قانون علاوه بر اینکه هیچ اشاره‌ای به مسئولیت محض تولیدکنندگان و عرضه کنندگان نکرده است با به کارگیری واژه‌هایی نظیر متخلف ذهن را بیشتر به سمت مسئولیت مبتنی بر تقصیر سوق می‌دهد. ماده ۲ این قانون تصریح می‌کند کلیه عرضه کنندگان کالا و خدمات منفردا یا مشترکا مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرضه معاملات هستند. اگر موضوع معامله کلی باشد در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین شده مشتری حق دارد صرفاً عوض سالم را مطالبه کند و فروشنده باید آن را تأمین کند. اگر موضوع معامله جزئی (عین معین) باشد مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا آرش کالای معیوب و سالم را مطالبه کند و فروشنده موظف است پرداخت کند. در صورت فسخ معامله از سوی مشتری پرداخت خسارت از سوی عرضه کننده منتفی است. ایراد این ماده این است که هر چند صدر این ماده کلیه عرضه کنندگان کالا و خدمات را به صورت انفرادی و یا مشترکا مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده تلقی کرده است و به نوعی مسئولیت مبتنی بر تضمین سلامت کالا و خدمات را برای عرضه کنندگان

به ذهن می‌آورد اما اینکه مسئولیت را به انطباق کالا با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات دامنه این تعهد را با ابهام مواجه ساخته به نوعی می‌توان گفت این ماده در خصوص مبنای مسئولیت عرضه کننده کالا و خدمات متضمن حکم جدیدی نیست و در عمل تعیین حدود مسئولیت تولیدکنندگان کالا را به سایر قوانین، قرارداد و عرف ارجاع داده است. (بادینی، ۱۳۹۱، ص ۵۱۴) نکته دیگر این که قانون گذار در سال ۱۳۸۶ قبل از تصویب قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان هنگام تصویب قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو از مبنای سنتی مسئولیت فاصله گرفته و مسئولیت محض و نوعی را پذیرفته است. ماده ۳ این قانون مقرر می‌دارد: عرضه کننده در طول مدت ضمانت مکلف به رفع هر نوع نقص یا عیبناشی از طراحی، مونتاژ، تولید یا حمل) است که در خودرو وجود داشته یا در نتیجه استفاده معمول از خودرو بروز نموده است یا مانع استفاده مطلوب از خودرو یا نافی ایمنی آن باشد یا موجب کاهش ارزش معاملاتی خودرو شود. هزینه رفع نقص یا عیب خودرو در طول مدت ضمانت و جبران کلیه خسارات وارد به مصرف کننده و اشخاص ثالث اعم از خسارات مالی و جانی و هزینه‌های درمان ناشی از نقص یا عیب بر عهده عرضه کننده می‌باشد. به این ترتیب قانونگذار به طور صریح مسئولیت محض بر عهده عرضه کننده خودرو قرار داده است.

در مطالعه تاریخی سیر تصویب قانون حمایت از مصرف کنندگان مشاهده می‌شود که طرح نخستین این لایحه که در سال ۱۳۷۱ توسط گروه بررسی قوانین و مقررات مانع توسعه تهیه شده است مشاهده می‌شود که از قوانین اروپا و آمریکا تأثیر زیاد پذیرفته است. این طرح در سازمان برنامه و بودجه تهیه و به دولت تقدیم شد و با تغییرهایی اساسی در تاریخ ۱۳۷۸/۳/۲۳ به صورت لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. برای نخستین بار در لایحه سخن از حقوق مصرف کننده به میان آمده است کنایه از اینکه مسئولیت تولیدکننده بیشتر چهره تعادلی و حمایت از حقوق مصرف کنده دارد و تنبیه مقصر در آن فرعی است و همین امر مفاد مسئولیت تولیدکننده را مسئولیت محض نزدیک می‌کند و عامل تقصیر[۹] در آن اهمیتی ندارد. (کاتوزیان، پیشین، ص ۱۷۴ و ص۱۷۵) به نظر می‌رسد با توجه به زمان طولانی تصویب قانون حمایت از مصرف کنندگان بهتر بود تصویب کنندگان و مخصوصاً فقهای محترم شورای نگهبان ضمن بهره گیری از تجارب کشورهای پیش گام در این زمینه مخصوصاً امریکا از مبانی فقهی مسلم و پذیرفته شده همچون قاعده «لاضرر، لاحرج و من له الغنم فعلیه الغرم» (باریکلو،۱۳۸۵، ص ۴۸) که می‌توانند در توجیه مسئولیت محض تولیدکنندگان با موازین شرعی سازگار باشد، استفاده کنند و احکام حمایت از حقوق مصرف کنندگان را فراتر از چهارچوب قواعد و احکام بیع، خیار عیب توجیه کنند. چرا که نظرات سنتی تقصیر یا حتی فرض تقصیر امکان دفاع از موضع ضعیف مصرف کننده را ندارد زیرا این قانون جنبه حمایتی دارد و اگر نخواهیم مسئولیت محض را به عنوان مبنا در آن بپذیریم ضرورت وجودی این قانون قابل توجیه نیست.

---

۹ . ماده ۸۰ لایحه مذکور مقرر می‌دارد: هر عرضه کننده کالا یا خدمت به صرف عرضه کالا یا خدمت به بازار مصرف سلامت و ایمنی کالا و خدمت را در برابر کلیه مصرف کنندگان تضمین می‌کند و به طور ضمنی تعهد می‌کند کلیه خسارات مادی و معنوی ناشی را که از عیوب پنهانی کالا ناشی می‌شود، به طور کامل جبران کند.

۲-۲-۲- خواهان و خوانده در دعوای مسئولیت در قانون حمایت از مصرف کنندگان ۱۳۸۸

در مورد خواهان، ر مفهوم وسیع مصرف کننده شامل کلیه اشخاصی است که کالا یا خدمتی را تهیه می‌کنند اعم از اینکه برای استفاده خود یا به منظوررفع نیازهای حرفه‌ای‌شان باشد. در مفهوم مضیق کلمه، مصرف کننده در برابر تولیدکننده، توزیع کننده و فروشنده یا عرضه کننده به کار می‌رود. این مفهوم افرادی را در بر می‌گیرد که به خریداری و مصرف کالاها و خدمات برای رفع نیازهای شخصی خود مبادرت می‌کنند و نمی‌خواهند آن را مجدداً بفروشند و در پی اهداف تجاری نیستند. (ژان کله،۱۳۷۹، صص ۳۱۲-۳۱۴) ماده ۱۹ که در خصوص مسئولیت تولید کننده در قبال خسارات ناشی از مصرف کالا یا خدمت نه صرف خریداری کالا یا خدمت نشان دهنده این است که مراد قانونگذار خاص خریدار نمی‌باشد و همچنین مسلم است که هر خریدی به مصرف نمی‌انجامد و ممکن است شخصی کالا را مصرف کند که خریدار نیست.

در مورد خوانده دعوا؛ بر اساس بند ۲ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان عرضه کننده مفهوم وسیعی دارد و کلیه تولیدکنندگان، وارد کنندگان، توزیع کنندگان فروشندگان کالا و ارائه دهندگان خدمات اعم از فنی و حرفه‌ای وهمچنین کلیه دستگاهها، مؤسسات، و شرکتهایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و به طور مستقیم یا غیر مستقیم و به صورت کلی یا جزئی کالا یا خدمت به مصرف کننده ارائه می‌دهند، اطلاق می‌شود.

برخی از حقوق دانان عقیده دارند که کلیه افراد دخیل در امر تولید، توزیع و فروش کالای معیوب تعهد ایمنی را بر عهده داشته‌اند و در دعوای خسارت می‌توانند طرف دعوا قرار بگیرند و علاوه بر رد ثمن مکلف به جبران خسارت نیز هستند؛ اما فرض این است که فروشنده غیر حرفه‌ای با حسن نیت، صرفاً ملزم به بازگرداندن ثمن است و تکلیفی به جبران خسارت ندارد. (جعفری تبار،۱۳۸۹، ص ۷۰)

❑ نتیجه‌گیری

مسئولیت مبتنی بر تقصیر به دلیل اینکه تولید کننده نسبت به مصرف کننده در موضع قدرت قرار دارد و نیز به علت پیچیدگی روابط خرید و فروش در جهان امروز قابل استناد نمی‌باشد.

مشکل استناد به مسئولیت قراردادی آن است که برای اثبات مسئولیت قراردادی وجود قرارداد و نقض قرارداد و ورود ضرر در اثر نقض قرارداد لازم است. بنابراین در فرضی که زیان دیده طرف معامله نباشد و صرفاً مصرف کننده کالای معیوب باشد استناد به قواعد مسئولیت قراردادی ناممکن می‌شود و استناد به قواعد عمومی مسئولیت مدنی نیز به علت نیاز به اثبات تقصیر در نهایت در بسیاری از موارد مشکل می‌شود زیرا استناد به این قواعد تولید کننده یا عرضه کننده غیر مقصر را از مسئولیت بری می‌کنند و در نهایت مصرف کننده است که باید ضرر را متحمل گردد.

قانون گذار انگلیس در قانون حمایت از حقوق مصرف کننده مصوب ۱۹۸۸ مسئولیت محض را پذیرفته است.

در حقوق ایران بین حقوق دانان در خصوص اینکه مبنای انتخابی قانون گذار در قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸ چیست اختلاف نظر است. به نظر می‌رسد که نظر آن دسته

از حقوق دانانی ترجیح دارد که معتقدند نظر قانون گذار بر مسئولیت محض نبوده است؛ چرا که اولاً در این قانون علاوه بر اینکه هیچ اشاره‌ای به مسئولیت محض تولیدکنندگان و عرضه کنندگان نکرده است با به کارگیری واژه‌هایی نظیر متخلف ذهن را بیشتر به سمت مسئولیت مبتنی بر تقصیر سوق می‌دهد.

❐ منابع و مآخذ

فارسی

۱-امامی، حسن (۱۳۸۷) حقوق مدنی، ج ۱، چاپ ۲۵، تهران، انتشارات اسلامیه

۲-ا لووا، ژان کله (۱۳۷۹) تعریف مصرف کننده، ترجمه عبدالرسول قدک، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۹-۳۰

۳-بادینی، حسن (۱۳۹۱) نقدی بر مبنا و قلمرو مسئولیت مدنی عرضه کنندگان کالا و خدمات در قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان ۱۳۸۸، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۸

۴-باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵) مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات میزان

۵-جعفری تبار، حسن (۱۳۸۹) مسئولیت مدنی کالا، چ ۲، تهران، نشر دادگستر

۶-صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب الله (۱۳۹۲) مسئولیت مدنی، چ ۵، انتشارات سمت، تهران

۷-عبدی پور، ابراهیم، پرتو، علی‌رضا (۱۳۹۰) مسئولیت عرضه کنندگان کالا و خدمات در قانون حمایت از مصرف کنندگان حرکتی رو به جلو یا بازخوانی قواعد سنتی، نامه مفید، شماره ۸۵

۸-کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱) الزام‌های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی)، ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم

۹-کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱) مسئولیت ناشی از عیب تولید، انتشارات دانشگاه تهران

۱۰-وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۸۵) مسئولیت مدنی قراردادی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم

انگلیسی

11-C C Van Dam (2013) European tort law, Oxford university press.

12-East,Fiona (2016) The product regulation and liability review, third edition, London, law business research ltd..

13-Elliot, Catherin, Quinn, Frances (2011) Tort Law, Eighth edition, London, Longman.

14-Griffiths, Lord, De Val, P and Dormer, R J (1988) 'Developments in English product liability law: a comparison with the American System' 62 Tulane Law Review 353

15-Harpwood, Vivienne (2009) Modern Tort Law, Seventh edition, London, Routledge. Covendish

16-Harpwood, Vivienne (2000) principles of tort law, Fourth edition, London, Cavendish publishing ltd

17-Monaghan, Nicola (2013) Beginning Contract Law, London, Routledge

18-Stephenson, Graham (2000) Source book on Tort law, Second edition, London, Cavendish publishing.